

بتوانیم خودآیینی و محوریت محض عقل در امور هنجاری را بپذیریم ولی سکولار نشویم، یاد در منطق معرفتی مان علم گرا باشیم اما سعی در توجیه مضامین دینی کنیم. نمونه شکست خورده‌ای از این الگودر تاریخ معاصر ما که بارها مورد نقد قرار گرفته کتاب راه طی شده است که تلاش در جمع بین علم گرایی و مضامین دینی داشت اما در نهایت به صراحت یا به دلالت مجبور به انکار بخشی از متون مقدس می شد. ▶

پی‌نوشت

- Pagden, A. (2013). *The Enlightenment- and why it still matters* (first ed.). Oxford: university press, p. 10.
- Jimack, P. (1996). *The French Enlightenment: science, materialism*. In S. C. Brown (Ed.), *British philosophy and the Age of Enlightenment*. New York; London: Routledge, p. 188
- شندلباخ، هربرت (۱۳۹۵). تاریخ و تبیین مفهوم خرد. ترجمه: رحمان افشاری. تهران: مهراندیش، ص ۱۳۷.
- کاسیرر، ارنست (۱۳۸۲). فلسفه روشنگری. ترجمه: یدالله موقن. تهران: نیلوفر، ص ۷۰.
- Kant, Immanuel. (1999). *Practical philosophy*. Trans: Allen Wood. Cambridge p: 17
- Ibid: p 17
- Foucault, M. (1996). *What Is Critique? In J. Schmidt (Ed.), What Is Enlightenment? Eighteenth-Century Answers and Twentieth-Century Questions* (p. 563). California: University of California Press, p. 386
- Ibid., p. 383
- Kant, Immanuel. (1999). *Practical philosophy*. Trans: Allen Wood. Cambridge p: 21
- منظور سه اثر مهم کانت، یعنی نقد عقل محض، نقد عقل عملی و نقد قوه حکم است.
- Foucault, M. (1996). *What Is Critique? In J. Schmidt (Ed.), What Is Enlightenment? Eighteenth-Century Answers and Twentieth-Century Questions* (p. 563). California: University of California Press, p. 385
- Ibid., p. 385
- صالحی، سید محمد حسین (۱۳۹۳). سکولاریسم از ظهور تا سقوط. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ص ۴۱
- Scientism
- Nonsense
- Kant, Immanuel. (1998). *Critique of pure reason*. Trans: Paul Guyer. Cambridge p: 17
- Kant, Immanuel. (1999). *Practical philosophy*. Trans: Allen Wood. Cambridge p: 19
- autonomy
- Kant, Immanuel. (1999). *Practical philosophy*. Trans: Allen Wood. Cambridge p: 82
۲۰. مجمع البحرین، ج ۲ ص ۳۰۵.
- رجوع کنید به: بحار الانوار ج ۱۰۲ ص ۳۵ یا بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۲۵۷ یا کامل الزیارات ج ۱ ص ۱۳۸ یا بحار الانوار ج ۵۶ ص ۱۷۶
- اسفار، ملاصدرا، ج ۲ ص ۴۸۷
- قیصری، محمد داوود (۱۳۸۶). شرح فصوص الحکم. به کوشش: سید جلال الدین آشتیانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۱۵۳.
- ابن عربی (۱۹۸۵). فتوحات مکیه. تصحیح: عثمان یحیی. مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ج ۱۳، ص ۱۲۹.
- زیارت جامعه کبیره
- عوالی العلوم، ج ۱۵، ص ۲۱۹ و تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۷۳۲.
- آملی، سید حیدر (۱۳۴۷). جامع الاسرار و منبع الانوار. تصحیح: هنری کرین. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۳۵۳.
- همان، ص ۳۵۷.
- اصول کافی، ج ۱، ص ۱۵۵.
- امالی صدوق، ج ۱، ص ۳۵.
- غیبه نعمانی، ج ۱، ص ۲۲۳.
- نساء، آیه ۱۰۰.
- آل عمران، آیه ۶۸
- هود، آیه ۴۶.

امام خزانه غیب الهی، محل وحی، محل آمدوشد فرشتگان و ... است چگونه قابل جمع است؟ کسی که از امام شفای مریضی را می خواهد که پزشک‌ها از او ناامید شده‌اند و این کار را نه تنها ممکن، بلکه محقق می داند چگونه می خواهد در دوگانه معرفت و ایمان در سمت معرفت برآمده از علم تجربی بایستد؟ کسی که می خواهد درست و غلط را تنها و تنها با ابزار عقل خود بسنجد چگونه می تواند به امام بگوید «الْحَقُّ مَا رَضِيَئُوهُ وَالْبَاطِلُ مَا اسْتَحْطَمُوهُ وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ»؟ کسی که امام را رکن و موجب قوام شهرها می داند و امر او را اصلاح کننده امور دنیایی خویش می بیند و بارها و بارها ناکید می کند که تابع و پیرو امر امام است (امری لا فرکم مثنیخ) و با دشمنان امام دشمن و با کسانی که با او در جنگ اند در جنگ است چگونه می تواند بین فرمان یا قانون یا خواست امام و فرمان، قانون یا خواست دیگران امر امام را فروگذارد و چیز دیگری را بگزیند؟ و در نهایت کسی که از امام عاقبت به خیری و سعادت مندی در آخرت می طلبد و در این راه می خواهد که شفیع او باشد چگونه می تواند بین دنیا و آخرت در سمت دنیا بایستد؟

نکته مهم این است که بر اساس متون روایی شیعه این نگاه به امام مختص زمان حضور و حیات امام نیست. نگاه شیعه به امام چیزی فراتر از زمان و مکان و حیات و ممات است. به عنوان مثال، در نقل کفعمی هست که وقتی خواستیم وارد حرم نبوی یابکی از مشاهد مشرفه بشویم بخوائیم: «... اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ، كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ، وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخَلْفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يَرْزُقُونَ، يَرْزُونَ مَقَامِي، وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي، وَيَرُدُّونَ سَلَامِي، وَأَنَّكَ حَبِيبٌ عَنِ سَمْعِي كَلَامَهُمْ...»، یعنی غیبت و حضور امام و عنایت او با حضرت حق هیچ تفاوتی در نسبت ما با او ایجاد نمی کند و او همچنان ما را می بیند و سخن ما را می شنود و حتی سلام ما را جواب می دهد و این ماهستیم که توانایی شنیدن جواب او را نداریم. این نگاه به امام، که حرمت او در غیبتش چه به ممات و چه به غیبت به مانند دوران حضورش برای ما واجب است، امام را حاکم بر کل وجوه زندگی ما می کند. ما همچنان در دوران غیبتش سعی می کنیم به آنچه او گفته عمل کنیم، آنچه را حق دانسته ترویج کنیم و به مانند او امر به معروف و نهی از منکر داشته باشیم.

نگاهی ابتدایی به متون زیارتی شیعه از یک سو به عنوان منابعی برای شناخت اهل بیت و جایگاه آن‌ها از سوی دیگر و بررسی اجتماعی و پدیدارشناختی زائرینی که به زیارت امام معصوم خود می روند به وضوح نشان می دهد باور به آموزه امامت مستقیماً در تعارض تام با اندیشه سکولار است. مؤمن به امام تنها مؤمن به شخص او به عنوان شخصی در تاریخ گذشته نیست، بلکه زائر و مؤمن به امام مؤمن به منطق امام است، منطقی که به جهان غیب بیش از جهان مادی باور دارد و در امورات عالم بیش از آنکه اسباب و علل مادی را مؤثر ببیند اراده الهی را تعیین بخش می بیند و سعادت اخروی را که همبسته با مفهوم ابدیت است اولویت اول و آخرش می داند و برای رسیدن به آن اراده خود را در طول اراده الهی و اراده امام قرار می دهد و با تبعیت محض از امام سعی در کسب این سعادت دارد.

در نهایت خوب است بدانیم که سکولاریسم به معنای نهادی آن، یعنی جدایی نهاد دین از نهاد قدرت، یکی از توابع سکولاریسم به معنای فلسفی آن است و سکولاریسم در معنای فلسفی اش همبسته با مفاهیمی مانند خودآیینی، اومانیسم و علم گرایی است و همان طور که می دانیم امکان گزینش بین مفاهیم همبسته وجود ندارد. این گونه نیست که